



صنایع دستی و کارکرد آن در جامعه

• غلامرضا خوشنفر

عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

«به بهانه بیستم خرداد روز جهانی صنایع دستی»

چکیده

امروز صنایع دستی به عنوان یکی از اقلام صادرات غیر نفتی جایگاه رفیعی در میان تولیدات صنعتی کشور پیدا کرده است. علاوه بر این نقش صنایع دستی در ایجاد اشتغال، افزایش تولید ناخالص ملی و حفظ هویت فرهنگی اهمیت این دسته از فعالیت‌های مکمل اقتصادی را روز بروز افزایش داده است. این صنایع در صورت توجه شایسته می‌توانند نقش فعالی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه ایفاء نمایند.

مقاله حاضر ضمن بررسی تعاریف و مفاهیم مربوط به صنایع دستی و انواع آن در ایران، در صدد تبیین کارکردهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن در جامعه می‌باشد. بر این اساس مشخص شده است که در شرایط فعلی، تولیدات نفیس هنر دستی، می‌تواند موقعیت مناسبی را از نظر ایجاد اشتغال و درآمد، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستایی، افزایش تولید ناخالص ملی و حفظ هویت و میراث فرهنگی در جامعه ایجاد نماید.

بنابراین کوشش در جهت حفظ و بقای این میراث فرهنگی و هنری، برای همگان الزامی است، زیرا محو و نابودی یا حتی تضعیف صنایع دستی کارکردهای ارزشمند آنها را به وادی فراموشی و نیستی می‌سپارد.

مقدمه

آنچه آدمی در گذار از تاریخ زندگی خویش آفریده، یادبودهایی است که در فاصله بین تولد و مرگ به مدد قدرت اندیشه خود که تجلی آفریدگاری خداوند است، برپا داشته است.

از آن هنگام که برای نخستین بار، انسان توانست سنگ را مطابق میل خویش شکل دهد، در واقع نخستین گام را برای شکافتن

و در هم شکستن مواد و جستجو در ساختمان پنهان آنها و بالاخره تسلط بر طبیعت برداشت.

آنچه که دست در خدمت ذهن می‌توانست انجام دهد، این بود که طلسم بی‌شکلی ماده را بشکند چرا که هر ماده بی‌شکلی دارای مقاومتی است و این مقاومتها تنها به نیروی تخیل انسان و به قوت دستهای او در هم می‌شکنند. دوران این

تحول بسیار طولانی بوده است. انسان به تدریج با استفاده از این مهارتها، پیچیده‌تر، عمیق‌تر، ظریف‌تر، و بدیع‌تر به گذشته خود نگریسته و در پیوستگی تاریخ، لحظات گذرای زندگی خویش را به نمایش گذاشته، ماهیت تفکر، ارزشها، اعتقادات و احساسات مردم زمانه خود را آشکار ساخته و از ظلمت و تبااهی‌ها و یا تلاش و بی‌قراری‌های دوران خود

سخن گفته است و این قصه قدمتی به درازای تاریخ زیست انسان دارد.

در بین جوامع دنیا، ایران جزو معدود کشورهایی است که از دیرباز در زمینه تولید مصنوعات دستی، سرآمد و صاحب شهرت بوده و تا قبل از پیدایش و حاکمیت ماشین بر سیستم اقتصادی، پیوسته از این هنر صنعت چون عاملی مهم و اساسی در پیکره اقتصادی کشور بهره‌مند بوده است.

تعریف صنایع دستی:

به طور کلی، صنایع به چهار دسته سنگین، سبک، کوچک و دستی تقسیم می‌شود که هر یک دارای خصوصیات منحصر به خود هستند. برای شناخت بیشتر صنایع دستی و اهمیت آن می‌بایست بدو تعاریف رشته‌های مختلف صنعت مورد بررسی قرار گیرد تا با تمیز آنها از صنایع دستی، از وجود برخی ابهامات احتمالی جلوگیری شود و فضای این صنعت روشن گردد.

۱- صنایع سنگین، (*Heavy industries*): صنایع سنگین که زمینه‌ساز توسعه اقتصادی کشور است و از آن به عنوان صنایع مادر یا صنایع کلیدی نیز یاد می‌شود نیازمند سرمایه‌گذاری بسیار زیاد، ماشین آلات و تجهیزات عمده و نیروی انسانی برخوردار از تخصص‌های فنی بالا می‌باشد، نظیر صنایع نفت، پتروشیمی، مس، ذوب آهن و...

۲- صنایع سبک، (*Light industries*): صنایع سبک که در مقایسه با صنایع سنگین نیازمند تجهیزات و به همان نسبت سرمایه کمتر و نیروی انسانی یا تخصص‌های نسبتاً پایین‌تر است، در واقع حد فاصل صنایع سنگین و صنایع کوچک محسوب می‌شود و لازمه استقرار آن بهره‌گیری از ماشین آلات خودکار و نیمه خودکار بوده و بیشتر صنایع نساجی، چرم و پوست، مواد غذایی، وسایل الکترونیکی و... را تحت پوشش قرار می‌دهد.

۳- صنایع کوچک (*Small scale industries*): صنایع کوچک که عمدتاً حالت کارگاهی دارد و علاوه بر شهرها قابل استقرار در روستاها نیز می‌باشد در مقایسه با صنایع

سبک به نیروی انسانی کمتر و تجهیزات و وسایل محدودتری نیاز دارد و محتاج سرمایه‌گذاری زیاد نیست. در این رشته از صنعت، بخشی از کار تولید توسط ماشین و قسمتی دیگر توسط نیروی بدنی کارگران انجام می‌شود. وظایفی نظیر بلوک زنی، تراشکاری، پیچ و مهره‌سازی، پلاستیک سازی، عینک سازی و... را در بر می‌گیرد.

۴- صنایع دستی (*Handicraft industries*): از نظر لغوی، اصطلاح صنایع دستی، دارای مفهوم واحد و ثابتی نیست و تاکنون تعاریف متعددی از آن ارائه شده است.

در دایرةالمعارف بریتانیکا، ضمن تعریف معنای واژه صنایع دستی آمده است که «صنایع دستی به آن گروه از صنایع گفته می‌شود که مهارت، ذوق و بینش انسان در تولید آن نقش اساسی دارد». در فرهنگ دهخدا نیز صنایع دستی عبارت است از «آنچه با دست ساخته می‌شود، از پارچه و قالی و ساخته‌های فلزی و غیره - مقابل صنایع ماشینی». در گزارش مدیریت طرح و برنامه سازمان صنایع دستی ایران نیز این تعریف از صنایع دستی آمده است که «صنایع دستی به آن رشته از صنایع اطلاق می‌شود که تمام یا قسمتی از مراحل ساخت فرآورده‌های آن با دست انجام گرفته و در چهارچوب فرهنگ و بینشهای فلسفی و ذوق و هنر انسان‌های هر منطقه با



توجه به میراث‌های قوی آنان ساخته می‌شود».

در تازه‌ترین تعریف «صنایع دستی به بخشی از هنر و صنعت گفته می‌شود که با بهره‌گیری از مواد اولیه بومی و انجام کار اساسی به کمک دست و ابزار دستی در مراحل مختلف تولید، منجر به ساخت محصولاتی شود که هر واحد از این محصولات به شکلی، ذوق هنری و خلاقیت فکری سازنده آن را به نمایش بگذارد، به طوری که این ویژگی وجه تمایز اصلی این نوع محصولات از محصولات مشابه ماشین ساخت و کارخانه می‌باشد».

تاریخچه صنایع دستی در ایران:

فعالیت‌های کشاورزی و دامداری در ایران از گذشته‌های دور تا به امروز، هم بخشی از مواد اولیه مورد نیاز تولید صنایع دستی کشور را مهیا ساخته و هم افرادی را که به این نوع فعالیت‌ها اشتغال دارند. و به علت طبیعت کارشان، فصل یا فصلی از سال را بیکار می‌ماند و ضرورتاً نیاز به فعالیت در رشته‌های دیگر تولیدی دارند. به کاری مفید مشغول داشته است.

علاوه بر این، استعداد و روحیه خلاق و قدرت ابتکار ایرانیان و علاقه آنان به هنر و تولید آثار هنری و ذوقی موجب گردیده است که کشور ما از گذشته‌های بسیار دور تا زمان حال همواره در تولید محصولات صنایع دستی موقعیتی ویژه و ممتاز و نیز شهرتی جهانی داشته باشد.

نگرشی به حفريات باستان‌شناسی و آثار با ارزش بدست آمده از «سیلک»، «حسنلو»، «تپه حصار»، «شوش»، «چراغعلی تپه» و... مؤید قدمت، سابقه طولانی و غنای صنایع دستی ایران طی قرون و اعصار متمادی است.

با بررسی دقیق آثار مکشوفه و با توجه به نظر محققان و پژوهشگران و هنر شناسان مشخص گردیده که زادگاه صنایع و هنرهای نظیر قالی بافی، فلزکاری و سفال و سرامیک سازی، ایران بوده است. افزون بر آن، صنعتگران هنرمند کشور، طی سده‌ها و هزاره‌های پیش از میلاد تاکنون،

همواره سهم شایسته‌ای در توسعه، تکوین و تعمیم انواع صنایع دستی داشته‌اند و با ذوق و هنر خود به آثار هنری ماغنا بخشیده‌اند، به گونه‌ای که آثار ممتاز وارزنده صنعتگران ایرانی در تمامی موزه‌ها و مراکز هنری جهان که به نوعی عرضه‌کننده تولیدات صنایع دستی می‌باشند، به چشم می‌خورد.

بررسی قضاوت پژوهشگران و ایران‌شناسانی نظیر «پروفیسور پوپ»، «گیرشمن»، «اشمید»، «هازلی رله دالمانی» و... و تحلیلی که آنان از صنایع دستی ایران بدست داده‌اند، می‌تواند مبین ارزشهای استثنایی و جایگاه خاص این هنر کاربردی و صنعت اصیل و ارزنده کشورمان در روند اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای باشد که همواره نقش اساسی را در تولید محصولات ارزنده صنایع دستی، آن هم با طرحهای اصیل و رنگهای زنده، شاد و جذاب و گیرا داشته است.

اسلام آوردن ایرانیان در دهه‌های آخر قرن هفتم میلادی، موجب شد تا مایه‌های هنری و فرهنگی اصیل ایران با ارزشهای والای اسلامی در هم آمیزد و صنایع دستی ایران با محتوای مردمی و غنی‌تر از گذشته حتی در عرصه معماری و کاشیکاری به رشد و شکوفایی چشمگیری برد.

به هر ترتیب امروزه صنایع دستی ایران علیرغم فراز و نشیبهای فراوان و حتی با توجه به دوران‌های سراسر بی‌مهری و بی‌توجهی که پشت سر نهاده توانسته در زمره با ارزشترین هنر کاربردی جامعه مطرح باشد و نه تنها از جنبه‌های فرهنگی بلکه از جهات اقتصادی و اجتماعی نیز شایسته احترام شده و در خور توجه به عنایت کافی قرار گیرد. اکثر صاحب نظران، ایران را یکی از سه قطب مهم صنایع دستی آسیا و جهان می‌دانند و از نظر تنوع شاید در صدر تمامی کشورها قرار داشته باشد.

انواع صنایع دستی در ایران:

صنایع دستی ایران، کلاً شامل بیست گروه است که آنها را می‌توان در سه گروه هنری^(۱) هنری مصرفی^(۲) و مصرفی^(۳)

جای داد بدون توجه به این گروه بندی. مصنوعات دستی ایران عبارتند از:

۱- بافته‌های داری: محصولاتی که با کمک دارهای افقی یا عمودی بافته می‌شوند اکثراً جزو بافته‌های داری محسوب می‌شوند. مثل قالی، گلیم، چننه، رویه پستی و بعضی از انواع زیلو.

۲- دستیابی (نساجی سنتی): فرآورده‌هایی که با کمک دستگاههای بافندگی دو وردی، چهار وردی، ژاکارد، تک فاز و نظایر آنها تولید می‌گردند، معمولاً در ردیف دستیابی به حساب می‌آید مثل: جاجیم، زیلو، کیسه حمام، انواع پارچه‌های نخ، پشمی و پنبه‌ای.

۳- بافتنی: انواع مصنوعات که با کمک میل و قلاب و نظیر آن تولید می‌شود جزو بیافتنی‌ها بحساب می‌آید. مانند: انواع دستکش، جوراب، کلاه، شال گردن، لباس، روسری و... .

۴- روکاری (رودوزی): کلیه مصنوعات که بر اثر دوختن نقوش سنتی بر روی پارچه‌های ساده بوجود می‌آید در گروه رودوزی‌ها جای دارد. مثل: سوزندوزی، قلابدوزی، ملیله‌دوزی، گلابتون دوزی، نقده دوزی، بخارادوزی و... .

۵- چاپ‌های سنتی: کلیه فرآورده‌هایی که بوسیله قلم مو، قالب و شابلون، رنگ آمیزی شده و پذیرای نقوش می‌شود جزو چاپ‌های سنتی بحساب می‌آیند. مانند: چاپ قلمکار، چاپ باتیک.

۶- نمذ مالی: انواع مصنوعات که بر اثر متراکم کردن پشم و کرک از طریق مالیدن تهیه می‌شوند جزو نمذ مالی هستند. مانند: کلاه نمذی، پالتوی نمذی (کپنکا)، نمذ زیرانداز، نما پادری و... .

۷- سفالگری و سرامیک سازی: محصولاتی که با خاک رس به کمک چرخ سفالگری تولید و با حرارت پخته می‌شوند اعم از اینکه دارای لعاب یا بدون لعاب باشند بخشی از گروه سفالگری و سرامیک سازی بحساب می‌آیند. مانند انواع پارچ و لیوان، ظروف غذاخوری، گلدان، کوزه، قلم و... .

۸- شیشه‌گری: این گروه فقط محصولات تولید شده توسط مواد معدنی نظیر کواتز و

سیلیس^۱ را زیر پوشش قرار داده و خود شامل شعباتی نظیر نقاشی روی شیشه و تراش شیشه می‌شود.

۹- پای پرش‌های سنتی: مصنوعات که به مصرف پای پوش رسیده و به نسبت نیاز با سنت تولید و... استفاده از آنها در مناطق مختلف کشور رواج دارد جزو پای پوشهای سنتی محسوب می‌شود. مانند: گیوه، چاروق و... .

۱۰- چرم و پوست: تمام مصنوعات که برای تهیه آنها از چرم و پوست بعنوان مواد اولیه استفاده به عمل می‌آید جزو گروه چرم و پوست هستند. نظیر: پوستین، نقاشی روی چرم، زین اسب و... .

۱۱- قلمزنی و فلزکاری: کلیه مصنوعات که مواد اولیه آنها را نقره، طلا، مس، برنج و آلیاژهای انواع فلزات کم بها تشکیل داده و بر روی آنها نقوش برجسته یا فرو رفته ایجاد گردیده است در گروه قلمزنی و حکاکی روی فلزات جای دارند. چاقو سازی و ساخت قیچی و قندشکن نیز جزو همین گروه است.

۱۲- زینت آلات محلی: این گروه که گاهی عنوان جواهرات بدلی نیز به آن داده می‌شود معمولاً مصنوعات را که ترکیبی از سنگ‌ها و فلزات کم بهاست و دارای ارزش‌های هنری زیاد میباشد در بر می‌گیرد. مانند انواع گوشواره، گردن بند، دست بند، خلخال، انگو و... .

۱۳- سنگتراشی: مصنوعات که مواد اولیه اصلی آنها را انواع سنگ‌های ارزان قیمت نظیر مرمر، سنگ سبز، سنگ سیاه و... تشکیل می‌دهد معمولاً در ردیف سنگتراش جای می‌گیرند. مانند: انواع مجسمه‌های سنگی زینتی، قاب عکس سرویسهای رومیزی، شکلات خوری.

۱۴- عروسک سازی و تهیه لباسهای محلی: ساخت عروسکهای پنبه‌ای، کتانوی و مومی با لباسهایی که نشان دهنده شکل و طرح پوشاک مردم مناطق مختلف کشور است و نیز طراحی و دوخت لباسهای محلی با سازهای متداول و قابل استفاده، در ردیف عروسک سازی و تهیه لباسهای محلی جای می‌گیرد.

۱۵- صنایع چوبی: رشته‌هایی نظیر



می‌آید کار تبدیل پشم و پنبه به پارچه را شامل می‌شود و خود در بین صنایع دستی ایران تشکیل یک گروه را می‌دهد.

۲۰- سایر: مصنوعات نظیر طلاکوبی روی فولاد، فیروزه کوبی، تراش سنگهای قیمتی نظیر فیروزه و عقیق، گوهر نشانی و... که قابل گنجاندن در سایر گروه‌ها نبوده و صناعی منفرد هستند معمولاً در این گروه قرار می‌گیرند.

ویژگیهای صنایع دستی روستائی:

با توجه به تعاریفی که در بالا به آنها اشاره شد، می‌توان ویژگیهایی را برای محصولات دست ساخت به شرح زیر قائل شد:

۱- انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید به وسیله دست، ابزار و وسایل دستی، یادآوری می‌شود که برای تولید هر یک از فرآورده‌های صنایع دستی، مراحل متعددی طی می‌شود ولی انجام کلیه این مراحل به وسیله دست و ابزار و وسایل دستی الزامی

در تازه‌ترین تعریف «صنایع دستی به بخشی از هنر و صنعت گفته می‌شود که با بهره‌گیری از مواد اولیه بومی و انجام کار اساسی به کمک دست و افزاینده دستی در مراحل مختلف تولید، منجر به ساخت محصولاتی شود که هر واحد از این محصولات به شکلی، ذوق هنری و خلاقیت فکری سازنده آن را به نمایش بگذارد، به طوری که این ویژگی و وجه تمایز اصلی این نوع محصولات از محصولات مشابه ماشین ساخت و کارخانه می‌باشد».

و تولید آنها توأم با ارزش افزوده زیاد است معمولاً در این گروه قرار می‌گیرند. نظیر مینا، مینیاتور، پاپیه ماشه، نقاشی روی صدف کنده کاری روی عاج و...

۱۸- محصولات تکمیلی: مصنوعات که برای ساخت آنها دو یا چند نوع محصول دست ساز بطور توأمان مورد استفاده قرار گرفته مصنوعات تکمیلی محسوب می‌شوند. مانند کیف‌های دستی که ترکیبی از پارچه و چرم است. یا انواع لباسهایی که با استفاده از پارچه‌های تولیدی چند نقطه از کشور دوخت می‌شود.

۱۹- ریسندگی و تابیدن الیاف پشمی و پنبه‌ای: این رشته همانگونه که از نامش بر

نازک کاری چوب، خراطی، معوق کاری، خاتم‌سازی، منبت کاری، مشبک سازی و... که مواد اولیه مورد مصرف در آنها را عمدتاً چوب تشکیل می‌دهد در گروه صنایع چوبی قرار می‌گیرند.

۱۶- سبده و حصیر و بامبو: کلیه محصولاتی که در ساخت آنها از الیاف ساقه، شاخه‌های گیاهان استفاده بعمل می‌آید در این گروه جای دارند و عمدتاً عبارتند از: سبده، حصیر، بامبو، مروار، ترکه بافی، چم بافی و...

۱۷- مصنوعات تزئینی: محصولاتی که ضمن برخورداری از طرحهای اصیل و سنتی دارای جنبه‌های هنری و تزئینی بوده

صنایع دستی در ایران با عمر بسیار کهن خود، کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متعددی را دارا می‌باشد. علاوه بر این، تولیدات دستی، جلوه‌ای از هنر، فرهنگ و استعداد این ملت را در خود جای داده و ضمن برخورداری از ارزش اقتصادی، از ارزش معنوی بسیار بالایی برخوردار می‌باشد.

به خود مشغول داشته است. البته به علت ساختار اقتصادی خاص کشورهای جهان سوم، افزایش مداوم درآمد ملی یا توجه به نرخ رشد بالای جمعیت در این کشورها، کاری بس دشوار و در برخی موارد شاید ناممکن باشد.

به منظور حفظ تعادل از جهات اقتصادی و اجتماعی، انجام سلسله اقداماتی برای کمک به بالا بردن تولید و ازباید درآمد خانوارها با بهره‌گیری از نیروهای بالقوه در محل ضروری به نظر می‌رسد. از جمله این اقدامات تقویت صنایع دستی است که به علت عدم پیچیدگی فنون تولید و بی‌نیازی به سرمایه‌گذاری عمده و وجود زمینه جذب تولیدات آن در داخل و خارج کشور، چشم انداز روشنی را ارائه می‌دهد.

ج - صنایع دستی و مسائل جمعیت و مهاجرت

در روند تولید صنایع دستی، عامل انسانی پیوسته نقش تعیین کننده دارد. این نقش هم به شکل نیروی فکری و ذوقی و هم به صورت نیروی بدنی در ساخت و شکل‌گیری فرآورده‌های گوناگون این رشته نمایان می‌شود. به همین سبب ارزش افزوده شامل بهای نیروی کار مصرف شده در تولید این گونه کالاها، در بسیاری موارد به ۷۰ تا ۸۰ درصد قیمت تمام شده می‌رسد. وجود این ویژگی موجب گردیده تا صنایع دستی همواره به صورت ابزار مؤثری برای ایجاد اشتغال مولد، کاهش انواع بیکاری و همچنین کند شدن جریان مهاجرت از روستا به شهر مورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد. از این نظر صنایع دستی و روستایی به عنوان یک عامل بازدارنده در مهاجرت‌های غیر اصولی داخلی و به عنوان عامل مؤثری در تأمین کار و درآمد کافی برای ساکنین مناطقی که در مسیر توسعه

به عنوان یکی از مسایل پیچیده و بغرنج کشورهای رو به رشد است.

متداولترین انواع بیکاری در ممالک رو به توسعه، بیکاری پنهان است. مخصوصاً در آن دسته از کشورها که هنوز ساختار اجتماعی کشاورزی و روستایی بصورت سنتی و کهن باقیمانده، بیکاری پنهان کاملاً به چشم می‌خورد.

اگرچه دستیابی به تکنولوژی جدید و صنعتی شدن کامل یکی از مهمترین هدفهای ممالک در حال رشد را تشکیل می‌دهد، ولی باید متذکر شد که صنعتی شدن به تنهایی نمی‌تواند بیکاری را برطرف کند. این واقعیت در کشورهایی که بدون در نظر گرفتن شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی خود اقدام به استفاده وسیع از فنون کاملاً جدید تولیدی نموده‌اند به نحو بارزی جلب توجه می‌کند زیرا افراط در اقتباس از الگوهای ممالک پیشرفته صنعتی، موجب تشدید بیکاری می‌شود. در صورتیکه کاربرد روشها و فنون متداول در بسیاری از صنایع مصرفی نظیر پارچه بافی، شیشه‌گری، سفال‌سازی، بافت سبد و حصیر افزون بر فراهم کردن امکانات کار برای عده زیادی از افراد آماده به کار، بدلیل سادگی تکنیک نیازمند دوره‌های آموزشی فنی و استفاده از خدمات کارشناسان و تکنسینهای خارجی هم نیستند.

ب - صنایع دستی و تولیدات ناخالص ملی

میزان تولید ناخالص ملی هر کشور مهمترین معیار توسعه اقتصادی آن کشور شناخته شده است که آن را بر اساس تغییرات در آمد سرانه نشان می‌دهند. رقابت کشورها برای دست یابی به تولید ملی بیشتر و نتیجتاً درآمد سرانه بالاتر در دوران معاصر، پیوسته ذهن دولتمردان را

نیست. و چنانچه تنها قسمتی از مراحل اساسی تولید به این طریق انجام گیرد. محصول تولید شده با در نظر گرفتن مواردی که در تعریف از آنها یاد شد، صنایع دستی محسوب می‌گردند.

۲- تأثیر اندیشه خلاق انسان در تولید و شکل بخشیدن به محصولات و امکان ایجاد تنوع و پیاده کردن طرحهای مختلف در مرحله ساخت اینگونه فرآورده‌ها.

۳- امکان تأمین قسمت عمده مواد اولیه مصرفی از منابع داخلی.

۴- داشتن بار فرهنگی (استفاده از طرحهای اصیل، بومی و سنتی).

۵- همانند و شبیه نبودن این نوع فرآورده‌های تولیدی.

۶- بی‌نیازی به سرمایه‌گذاری زیاد برای تولید آنها در مقایسه با صنایع دیگر.

۷- بالا بودن ارزش افزوده آنها در مقایسه با صنایع دیگر.

۸- مکان ایجاد و توسعه آنها در مناطق مختلف (شهری، روستایی و حتی جوامع عشایری).

نقش صنایع دستی در توسعه:

حمایت از صنایع دستی و تقویت بنیه تولید صنعتگران و سازندگان فرآورده‌های دست‌ساز یکی از طروقی است که میتواند نقش فعالی در توسعه اقتصادی و رشد ممالک عقب نگاهداشته شده ایفا نماید و عجیب نیست اگر ظرف سالهای اخیر توجه بسیاری از کشورها به این امر مهم جلب شده و به موازات استقبال از صنعت متقاعد شده‌اند که چنانچه صنایع دستی به عنوان یک عامل مکمل اقتصاد کشور مورد حمایت و بهره‌برداری درست قرار گیرد قادر خواهد بود اثر محسوسی در درآمدها داشته باشد. در واقع صنایع دستی دارای اثرات مثبت بی‌شماری است که برخی از آنها در قسمت ذیل مطرح می‌گردد:

الف - صنایع دستی و مشکل بیکاری

یکی از قاطع‌ترین و در عین حال منطقی‌ترین دلایلی که برای توجیه جنبه‌های مثبت صنایع دستی می‌توان ارائه داد مربوط به اثرات آن در رفع انواع بیکاری

صنعتی قرار نگرفته‌اند، مورد توجه می‌باشد.

د - صنایع دستی و هویت فرهنگی

صنایع دستی گزارشگر صنعت و هنر نیاکان و بیانگر هنر و ذوق مردم هر کشور است. تولیدات دستی اغلب بازگو کننده خصوصیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور بوده و عامل مهمی در شناساندن فرهنگ و تمدن ملل مختلف محسوب می‌شود و به همین جهت مدتی است که با عرضه و نمایش نمونه‌های صنایع دستی و نمایشگاههای بین المللی و بازارهای مبادلاتی در حقیقت علاوه بر بازاریابی و فروش این فرآورده‌ها، از صنایع دستی به عنوان یکی از جاذبه‌های جهانگردی و رونق صنعت توریسم نیز استفاده می‌شود. اگرچه، ورود جهانگردان خارجی نیز خود موجب رونق هرچه بیشتر بازار محصولات دستی می‌گردد.

در کشور ما نیز، به دلیل فراوانی منابع، مواد اولیه ارزان، طولانی بودن پیشینه تولید صنایع دستی، تنوع رشته‌های دست ساز و استقبال کشورهای دیگر از تولیدات صنعتگران، صنایع دستی توانسته عامل مؤثری جهت جذب گروهی از افراد و زمینه ساز اشتغال برای آنها بوده و لافل قسمتی از مرمعایدی و وسیله تأمین معیشت آنها و خانواده‌شان باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

صنایع دستی در ایران با عمر بسیار کهن خود، کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متعددی را دارا می‌باشد. علاوه بر این، تولیدات دستی، جلوه‌ای از هنر، فرهنگ و استعداد این ملت را در خود جای داده و ضمن برخورداری از ارزش اقتصادی، از ارزش معنوی بسیار بالایی برخوردار می‌باشد.

در شرایط فعلی، تولیدات نفیس هنر دستی، می‌تواند موقعیت مناسبی را از نظر ایجاد اشتغال و درآمد، جلوگیری از مهاجرت بی رویه روستایی، افزایش



● پی‌نوشت‌ها:

- ۱- صنایع دستی هنری معمولاً به آن گروه از فرآورده‌های اطلاق می‌شود که دارای جنبه‌های هنری فوایی بوده و جنبه‌های مصرفی چندانی ندارند مانند سینیانوره، طلاکوب، روی فولاد.
- ۲- صنایع دستی «هنری - مصرفی» معمولاً به آن گروه از فرآورده‌هایی اطلاق می‌شود که ضمن برخورداری از ارزشهای هنری دارای جنبه‌های مصرفی نیز هستند نظیر: فاله، گلیم، جاجیم، انواع رودوزی‌ها، مصنوعات شیشه‌ای و ...

- ۳- صنایع دستی «مصرفی» معمولاً به آن دسته از محصولات اطلاق می‌شود که دارای ارزش‌های هنری بسیار ناچیزی بوده و درباره نیز فاقد این ارزشها هستند ولی جنبه‌های مصرفی دارند. مثل: انواع پارچه‌های دستباف، انواع بافتنی‌ها، نمد، سفال و سرامیک، لباس‌های محلی، پوستین، مصنوعات حصیری و ...

- ۴- در حال حاضر اکثر شیشه‌گران از شیشه خرده به تنهایی با هم‌راد با کوارتز و سیلیس استفاده می‌کنند.

تولیدات ناخالص ملی و حفظ هویت و میراث فرهنگی جامعه ایجاد نماید. کوشش در حفظ و بقای این میراث‌های هنری و فرهنگی، برای همگان الزامی است. زیرا محو و نابودی یا حتی تضعیف آن، کارکردهای ارزشمندی را به فراموشی می‌سپارد.

■ منابع و ماخذ:

- ۱- سازمان صنایع دستی ایران، کلیاتی درباره صنایع دستی روستایی ایران، مدیریت طرح و برنامه سازمان صنایع دستی ایران، شهریور ۱۳۶۲، تهران.
- ۲- حاجی پور شورشتری، عبدالحمد و صنایع دستی، در چشم انداز پیشرفت فرایند صنعت و نکرلوژی، دستها و نقشها، شماره اول، بهار ۱۳۷۱.
- ۳- باوری، حسین و صنایع دستی و امکانات بالقوه آن، دستها و نقشها، شماره اول، بهار ۱۳۷۱.
- ۴- مطیعی لنگرودی، سید حسن، جغرافیای اقتصادی در ایران (صابع)، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۶.